

۸۷،۱۱،۵۲۷۵

۸۷،۱۱



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

دانشگاه قم

دانشکده الهیات و معارف اسلامی

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد فلسفه و کلام اسلامی

موضوع:

اصالت یا اعتباری بودن وجود و ماهیت از دیدگاه شیخ اشراق

استاد راهنما:

آقای دکتر محمد ذبیحی

استاد مشاور:

آقای دکتر احمد عابدی

نگارش:

مریم سعیدی

۱۰۶۵۵۵

تابستان ۱۳۸۷

۱۳۸۷ / ۹ / ۲۳

کتابخانه مرکزی
دانشگاه قم

تاریخ: ۳، ۷، ۸۷

بیت

شماره: ۳۸، ۱۱

پیوست:



جمهوری اسلامی ایران
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

دانشگاه قم



« صورت جلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد »

با تأییدات خداوند متعال و با استعانت از حضرت ولی عصر «عجل الله تعالی فرجه الشریف»

جلسه دفاعیه پایان نامه کارشناسی ارشد خانم: مریم سعیدی رشته: فلسفه و کلام اسلامی
تحت عنوان: اصالت یا اعتباری بودن وجودماهیت از دیدگاه شیخ اشراق
با حضور هیأت داوران در محل دانشگاه قم در تاریخ ۸۷ / ۶ / ۲۸ تشکیل گردید.
در این جلسه، پایان نامه با موفقیت مورد دفاع قرار گرفت و نامبرده نمره با عدد ۱۹،۲۵
حروف نوزده و بیست و پنج صد
با درجه: عالی بسیار خوب خوب قابل قبول دریافت نمود.

نام و نام خانوادگی	سمت	مرتبه علمی	امضاء
آقای محمد ذییمی	استاد راهنما	استادیار	
آقای امد عابدی آرائی	استاد مشاور	استادیار	
خانم اقدس یزدی	استاد ناظر	استادیار	
خانم زهرا فزاعی (اوری)	استاد ناظر	استادیار	 ۱۳۸۷ / ۹ / ۲۳
آقای عسگر دیرباز	نماینده کمیته تخصیلات تکمیلی	استادیار	

مدیر امور آموزش و تمصیلات تکمیلی
نام و امضاء:

معاون آموزشی و پژوهشی دانشکده
نام و امضاء:

نشانی:

قم، جاده قدیم اصفهان،
دانشگاه قم

کدپستی: ۳۷۱۶۱۴۶۶۱۱

تلفن: ۲۸۵۳۳۱۱

دورنویس:

معاونت آموزشی ۲۸۵۵۶۸۴

معاونت اداری ۲۸۵۵۶۸۶

معاونت دانشجویی ۲۸۵۵۶۸۸

چکیده

در بررسی دیدگاه شیخ اشراق درباره اصلت یا اعتباریت وجود یا ماهیت ابتدا به دلیل وجود تناقض‌هایی در کلام وی در این زمینه، به چرایی این مسأله پرداخته شده است. بدین منظور وضعیت فلسفه قبل از سهروردی، معاصر با وی و بعد از او مورد کاوش قرار گرفته است؛ که در نتیجه آن شیخ اشراق، به دلیل فضایی که برایش از زمان ابن‌سینا و حملات غزالی فراهم گشته بود و نیز بهره‌مندی وی از آموزه‌های پیشینیان، آثار خود را به عنوان فیلسوف محض تألیف نکرده، بلکه وی در آثارش در چهره‌های مختلف علمی ظاهر شده است. در فصل دوم به تعریف مفاهیم اساسی پژوهش و احکام آن‌ها پرداخته شده است؛ که در طی آن معلوم می‌شود به دلیل این‌که وجود و ماهیت معانی متعددی دارند، احتمال خلط معنایی آن‌ها وجود دارد. پس فلسفه اشراق از نظر محتوا با دیگر مشرب‌ها در احکام وجود و ماهیت تفاوت چندانی ندارد. فصل سوم به کنکاش عبارات سهروردی درباره وجود و ماهیت اختصاص یافته است؛ که پس از تقسیم‌بندی آن‌ها در محورها و بخش‌های مختلف، ضمن نمودار شدن جملات فراوان در اثبات اصلت‌الوجودی بودن وی، هیچ عبارتی بدون معارض در اصلت ماهیت یافت نگردید. از مجموع مباحث مطرح شده مشخص شد که یا باید تهافت‌های کلام سهروردی را در این مسأله پذیرفت و یا این‌که آن‌ها را ناشی از خلط معنایی دانست و او را اصلت‌الوجودی معرفی کرد.

واژه‌های کلیدی: شیخ اشراق، وجود، ماهیت، تمایز، اشتراک، اصلت، اعتباریت، تشکیک،

نور و ظلمت.

تقدیم

به پدر و مادر عزیزم

که واهب الوجود و فیاض الجود به واسطه ایشان وجودم را عطا فرمود
و نور علم و دانش را از رهگذر کوی ایشان به قلبم اشراق نمود.

تقدیر

حمد و سپاس بی پایان مخصوص خداوندی است که وجود همه به ذات او قائم است و فائض وجود ذات اوست و کردگاری که بی واسطه ما به جود خود وجود ما پیدا کرد.

اینک که نورالانوار توفیق اتمام این رساله را اشراق فرمود، از تمامی عزیزانی که مرا در این پژوهش و نگارش آن یاری نمودند صمیمانه قدردانی می‌نمایم.

به‌خصوص از زحمات بی‌کران استاد جلیل‌القدر جناب آقای دکتر ذبیحی که در قدم‌به‌قدم این پایان‌نامه لحظه‌ای از هیچ‌گونه مساعدتی دریغ ننمودند، نهایت تشکر را می‌نمایم و از درگاه خداوند متعال برای ایشان سربلندی و توفیق روزافزون را خواستارم.

هم‌چنین از جناب آقای دکتر عابدی که مشاورت این رساله را پذیرفتند، تقدیر می‌کنم.

به‌علاوه از پدر و مادر و خانواده عزیزم و نیز سرکار خانم نظری و همه اساتید و معلمینی که مشوق من در زمینه تحصیل علم و تقوا بوده‌اند و موفقیت‌های من مرهون دعا و تلاش آن‌هاست، نهایت قدردانی نموده و برایشان آرزوی سلامتی و موفقیت دارم.

فهرست مطالب

عنوان.....	صفحه.....
مقدمه.....	۱.....
الف: تبیین موضوع تحقیق.....	۱.....
ب: ضرورت تحقیق.....	۲.....
ج: سؤال اصلی تحقیق.....	۲.....
د: فرضیه‌های تحقیق.....	۲.....
ه: اهداف تحقیق.....	۲.....
و: روش تحقیق.....	۳.....
ز: پیشینه تحقیق.....	۳.....
ح: شکل و محتوای تحقیق.....	۳.....
ط: مشکلات و موانع تحقیق.....	۴.....
فصل اول: پیشینه و تأثیر تاریخی فلسفه شیخ اشراق.....	۵.....
۱-۱- فلسفه قبل از شیخ اشراق.....	۶.....
۱-۱-۱- فارابی.....	۸.....
۱-۱-۲- ابن سینا.....	۹.....
۱-۱-۳- بهمنیار.....	۱۱.....

- ۱۱..... ۴-۱-۱- غزالی
- ۱۸..... ۵-۱-۱- ابن رشد
- ۲۰..... ۶-۱-۱- فخر رازی
- ۲۲..... ۲-۱- فلسفه در عصر شیخ اشراق
- ۲۲..... ۲-۲-۱- بستر رشد شیخ اشراق
- ۲۴..... ۲-۲-۱- زیر ساخت‌های اندیشه شیخ اشراق
- ۲۵..... ۱-۲-۱-۱- تعلیمات هرمس (علیه السلام)
- ۲۷..... ۲-۲-۱-۱- آموزه‌های زرتشت
- ۳۱..... ۳-۲-۲-۱- فلسفه فیثاغورس
- ۳۱..... ۴-۲-۲-۱- کشف، شهود و اشراق
- ۳۴..... ۵-۲-۲-۱- فلسفه مشاء
- ۳۵..... ۶-۲-۲-۱- تصوف
- ۴۰..... ۷-۲-۲-۱- آیات و روایات
- ۴۲..... ۳-۲-۱- آثار شیخ اشراق
- ۴۵..... ۴-۲-۱- متأثرین از شیخ اشراق
- ۴۶..... ۳-۱- فلسفه بعد از شیخ اشراق
- ۴۶..... ۱-۳-۱- خواجه نصیرالدین طوسی
- ۴۸..... ۲-۳-۱- محقق دوانی
- ۴۹..... ۳-۳-۱- میرفندرسکی
- ۵۰..... ۴-۳-۱- میرداماد
- ۵۱..... ۵-۳-۱- ملاصدرا
- ۵۵..... فصل دوم: پیرامون مفاهیم

- ۵۶.....۱-۲- وجود
- ۵۶.....۱-۱-۲- معنای لغوی وجود
- ۵۷.....۲-۱-۲- معنای اصطلاحی وجود
- ۶۵.....۲-۲- ماهیت
- ۶۵.....۱-۲-۲- معنای لغوی ماهیت
- ۶۶.....۲-۲-۲- معنای اصطلاحی ماهیت
- ۷۳.....۳-۲- احکام وجود و ماهیت
- ۷۳.....۱-۳-۲- تمایز وجود و ماهیت
- ۸۱.....۲-۳-۲- اشتراک وجود
- ۸۶.....۴-۳-۲- اصالت وجود یا ماهیت
- ۸۶.....۱-۴-۳-۲- معنای لغوی اصالت
- ۸۷.....۲-۴-۳-۲- معنای اصطلاحی اصالت
- ۹۳.....۵-۳-۲- اعتباریت وجود یا ماهیت
- ۹۳.....۱-۵-۳-۲- معنای لغوی اعتباریت
- ۹۴.....۲-۵-۳-۲- معنای اصطلاحی اعتباریت
- ۹۵.....۶-۳-۲- تشکیک وجود
- ۱۰۹.....۷-۳-۲- رابطه بین وجود و نور و ماهیت و ظلمت در فلسفه اشراق
- ۱۰۹.....۱-۷-۳-۲- تقابل نور با وجود و ظلمت با ماهیت
- ۱۰۹.....۱-۱-۷-۳-۲- عبارات مربوط به نور و وجود
- ۱۱۳.....۲-۱-۷-۳-۲- عبارات مربوط به ظلمت و ماهیت
- ۱۱۳.....۲-۷-۳-۲- بررسی احکام نور و وجود
- ۱۱۴.....۱-۲-۷-۳-۲- مجعولیت و اصالت نور
- ۱۱۵.....۲-۲-۷-۳-۲- تشکیک نور
- ۱۱۷..... فصل سوم: بررسی عبارات شیخ اشراق درباره وجود و ماهیت

- ۱-۳- عباراتی که درباره وجود است و مقصود از آنها نمی‌تواند چیزی جز وجودات خاصه باشد..... ۱۱۹
- ۱-۱-۳- جملاتی که صریحاً حقایق خارجی را وجودات خاص اشیا می‌داند..... ۱۱۹
- ۲-۱-۳- عباراتی که دلالت بر وجود خارجی اشیا دارد..... ۱۲۱
- ۳-۱-۳- جملاتی که به نوعی نمایانگر مجعول بودن وجود توسط خداوند یا موجود مفارق است..... ۱۲۳
- ۱-۳-۱-۳- کلماتی که وجود را معلول می‌داند..... ۱۲۳
- ۲-۳-۱-۳- عباراتی که افعال خداوند را مربوط با وجود اشیا می‌داند نه با ماهیت آنها..... ۱۲۴
- ۳-۳-۱-۳- جملاتی که متعلق فیض خدا را وجود می‌داند..... ۱۲۵
- ۴-۳-۱-۳- عباراتی که دلالت بر اعطای وجود به غیر دارد..... ۱۲۵
- ۵-۳-۱-۳- کلماتی مبتنی بر این که خداوند مبدأ و سرچشمه وجود است..... ۱۲۶
- ۶-۳-۱-۳- عباراتی که وجود را قابل افاده می‌داند..... ۱۲۶
- ۷-۳-۱-۳- جملاتی که حاکی از انتساب وجود به خداست..... ۱۲۷
- ۸-۳-۱-۳- عباراتی که وجود را وجه افتقار موجودات به خاوند یا موجود مفارق می‌داند..... ۱۲۷
- ۴-۱-۳- کلماتی که وجود را مساوق با خیر و کمال و شرف معرفی می‌کنند..... ۱۲۸
- ۵-۱-۳- جملاتی که مربوط به واجب الوجود است..... ۱۳۰
- ۱-۵-۱-۳- عباراتی که که صریح در وجود محض بودن واجب الوجود است و اصیل بودن وجود او را می‌رساند..... ۱۳۰
- ۲-۵-۱-۳- براهینی که بر پایه وجود درباره واجب الوجود آمده است..... ۱۳۳
- ۶-۱-۳- عباراتی که دال بر مساوی بودن حصول، ثبات و وجود است..... ۱۳۷
- ۷-۱-۳- جملاتی که از آنها منشأ اثر بودن وجود اثبات می‌شود..... ۱۳۸
- ۲-۳- عباراتی که در آنها منظور از ماهیت نمی‌تواند ماهیت اصیل و متحقق باشد..... ۱۳۹

- ۱۴۰..... ۱-۲-۳ عباراتی که ماهیت را کلی و ذهنی معرفی می‌کند.....
- ۱۴۲..... ۲-۲-۳ عباراتی که ماهیت را عامل شر و ظلمت می‌داند.....
- ۱۴۳..... ۳-۲-۳ جملاتی که بیانگر عدم ماهیت برای خداوند است.....
- ۱۴۵..... ۴-۲-۳ کلماتی که مفارقات و نفوس را فاقد ماهیتی و رای وجودشان می‌داند.....
- ۱۴۷..... ۵-۲-۳ جملاتی که گویای وجود دو نوع ماهیت است.....
- ۱۴۹..... ۳-۳ عبارات دوپهلویی که می‌توان از آنها برداشت دوگانه‌ای داشت.....
- ۱۴۹..... ۱-۳-۳ عباراتی که ظاهر آنها وجود را اعتباری می‌داند.....
- ۱۵۷..... ۲-۳-۳ جملاتی که ماهیت را اصیل می‌داند.....
- ۱۶۳..... مرور و نتیجه‌گیری.....
- ۱۶۷..... منابع و مآخذ.....
- ۱۷۴..... چکیده انگلیسی.....

مقدمه

از آن جا که موضوع فلسفه وجود بما هو وجود یا موجود بما هو موجود است، همه مسائل فلسفه حول همین محور دور می‌زند و شالوده فلسفه بر همین مهم استوار است. در همین راستا مسأله اصالت یا اعتباریت وجود یا ماهیت حداقل در مشرب‌های اسلامی فلسفه جزء اساسی‌ترین مطالب فلسفه است که بر همه قسمت‌های دیگر این علم علیا سایه می‌افکند. به همین دلیل برای پی بردن به نظر صواب فیلسوف در این خصوص باید ردپای این مسأله در سراسر آثار او مورد کنکاش و بررسی قرار گیرد، در غیر این صورت دستیابی به آن نظر میسر نخواهد بود.

الف. تبیین موضوع تحقیق

بعد از رهایی جستن از زمزمه‌های سفسطه و نجات از دام انکار جهان واقع و تسلیم در برابر این که هر شیء خارجی در اعیان تنها دارای یک واقعیت است یعنی تغایر وجود و ماهیت فقط ذهنی است نه خارجی، نوبت آن می‌رسد که مصداق آن واقعیت خارجی اصیل معین گردد.

در میان فلاسفه برخی به صراحت رأی خود را به اصالت وجود یا اصالت ماهیت اعلام داشته‌اند و در جای جای آثارشان می‌توان همین قاعده را مشاهده نمود. اما در مورد شیخ اشراق این مسأله مورد تردید است و کسی با اطمینان به اصالت‌الوجودی یا به اصالت‌الماهوی بودن او

معتقد نشده است. بنابراین پژوهش حاضر در جستجوی دست‌یابی به این مسأله است که مصداق آن واقعیت خارجی اصیل را از نظر شیخ اشراق بیابد.

ب. ضرورت تحقیق

سهروردی به دلایلی در جاهای مختلف آثارش مواضع متفاوتی در مورد این مسأله ابراز داشته است. پس دیگر مطالب فلسفه‌اش سنگ‌بنای محکمی برای تکیه به این مسأله ندارند. این در حالی است که اگر موضع درست وی در این مسأله مشخص شود می‌توان در مسائل دیگر نیز با خاطری آسوده به جای محکمی تکیه نمود و حکم قطعی درباره‌ی موضع وی در آن مسائل صادر نمود. پس برای دست‌یابی به این مهم لازم است موضع دقیق سهروردی در مسأله اصالت وجود یا ماهیت معین گردد.

ج. سؤال اصلی تحقیق

سؤال اصلی که باید در این پژوهش بدان پاسخ داده شود این است که از نظر شیخ اشراق وجود اصیل است یا ماهیت؟ یا به عبارت دیگر مصداق حقیقت و واقعیت موجود در خارج وجود است یا ماهیت؟

د. فرضیه‌های تحقیق

۱. ماهیت اعتبار ذهنی است و وجود همان حقیقت موجود در خارج، منشأ اثر و مجعول بالذات است.

۲. وجود صرفاً امری اعتباری است که ذهن با ملاحظه‌ی ماهیات در خارج آن را انتزاع می‌کند و ماهیت اصیل، مجعول و مصداق واقعیت است.

ه. اهداف تحقیق

هدف اصلی پژوهش حاضر نیل به دیدگاه شیخ اشراق در مورد مصداق واقعیت اصیل متحقق در اعیان است لیکن چون آراء وی در این زمینه مشوش و مضطرب است، به دست آوردن چرایی این تهافت در کلام او نیز بخش دیگری از هدف نوشته حاضر را تشکیل می‌دهد.

و. روش تحقیق

این پژوهش با روش کتابخانه‌ای و تکنیک فیش‌برداری پیش رفته است و چون چنان‌که گفته آمد، در این جا دو هدف دنبال می‌شود، فیش‌برداری‌ها نیز در دو بخش انجام شده است. بخش اول از کتاب‌های تاریخ فلسفه برداشت شده و قسمت دیگر حاصل آثار فیلسوفان مسلمان است که با متون در دسترس سهروردی آغاز و با بررسی اصالت وجود در کتاب دیگر فلاسفه پایان یافته است.

ز. پیشینه بحث

با تتبعی که در کتب و مقالات موجود در کتابخانه‌ها صورت گرفت، معلوم شد هیچ اثری با این حجم بدین صورت گردآوری نگردیده است که مؤلف این اثر، همه عبارات شیخ اشراق را بررسی کرده باشد و سپس از طریق مقایسه آن‌ها با دلایل اصالت وجود، نظر سهروردی را در این زمینه اعلام کرده باشد؛ به جز بخش کوچکی از کتاب *فلسفه مشاء با تأکید بر اهم آراء ابن سینا* که در ضمن طرح مسأله اصالت وجود از دیدگاه ابن سینا، عباراتی از شیخ اشراق نیز در اثبات اصالت‌الوجودی بودن وی آمده است. همچنین به صورت جسته گریخته در برخی کتاب‌های آقای دینانی به این مسأله پرداخته شده است.

ح. شکل و محتوای تحقیق

در نوشته حاضر ابتدا با بررسی کتاب‌های تاریخ فلسفه، حکمای مسلمان قبل از سهروردی، معاصر با وی و حکمای بعد از او با هدف دستیابی به علت تهافت‌های کلام شیخ

اشراق، مورد کاوش قرار گرفته و بعد از آن به دلیل اهمیت فوق‌العاده تعریف واژگان کلیدی، فصلی به آن اختصاص یافته و تعاریف آن‌ها از منظر فلاسفه اسلامی می‌آید. در فصل سوم عبارتهای شیخ اشراق درباره وجود و ماهیت در سه محور آورده می‌شود که عبارت‌اند از: جملاتی که از آن‌ها اصالت وجود فهمیده می‌شود، کلماتی درباره ماهیت که هیچ دلالتی بر اصالت آن ندارد و در آخر عباراتی که می‌توان از آن‌ها برداشت دوگانه‌ای نمود. در نهایت نیز نتیجه و مروری بر مطالب بیان شده می‌آید.

ط. مشکلات و موانع تحقیق

از نخستین روزی که در بدایه‌الحکمه خواندم «و نسب الی الاشراقیین اصالة الماهیه»، همیشه در این اندیشه بودم که چرا کسی در صدد اثبات درستی یا نادرستی این نسبت بر نیامده و هنوز بعد از حدود ۸۰۰ سال اطمینانی نسبت به این مسأله حاصل نشده است که کسی بتواند با یقین بگوید شیخ اشراق اصالت‌الماهوی یا اصالت‌الوجودی است. بعد از وارد شدن در کار این پایان‌نامه و مواجهت با مشکلات فراوان آن علت این امر بر اینجانب هویدا گردید. از آن‌جا که منبع اصلی در نگارش این تحقیق مجموعه *مصنفات شیخ اشراق*، بوده است و جز حکمت‌الاشراق بقیه قسمت‌های آن شرح و ترجمه قابل ملاحظه‌ای ندارد، فهم عبارتهای متون وی از بزرگ‌ترین مشکلات این کار بوده است. به این مشکل تهافت‌ها و تشویش‌های کلام وی را اضافه کنید که روند پیشرفت کار را بسیار کند می‌کرد؛ به طوری که پس از اطمینان به درستی مسأله‌ای به نقیض آن برخورد می‌کردم که کاملاً اطمینان حاصل شده را سلب می‌نمود. مشکل دیگر این بود که در اکثر تحقیقات استفاده فصل مشخصی از کتاب برای تبیین دیدگاه مؤلف کفایت می‌کند؛ اما موضوع این پژوهش طوری بود که باید ردپای مسأله وجود و ماهیت در همه بخش‌های کتاب‌ها جستجو می‌گردید.

فصل اول

پیشینه و تأثیر تاریخی فلسفه شیخ اشراق

شیخ اشراق که نام کامل او ابوالفتوح شهابالدین یحیی بن حبش بن امیرک سهروردی است در سال ۵۴۹ هجری قمری مصادف با ۱۱۵۳ میلادی در روستای سهرورد زنجان دیده به جهان گشود. وی پس از یادگیری علوم و حکمت نزد استادانی که شناخت کاملی از آنان در دست نیست به مسافرت پرداخت. در سفر به شام و حلب، ملک ظاهر حاکم حلب فرزند صلاح‌الدین ایوبی شیفته وی گشت، لیکن پس از مدتی به خاطر سعایت برخی از دانشمندان، به وی بدبین شد و در سال ۵۸۷ هجری قمری او را به قتل رسانید.

چنان‌که خواهد آمد از شیخ اشراق در برخی مسائل فلسفی آرای متناقضی به ثبت رسیده است. برای روشن شدن چگونگی دوگانگی عبارات وی، بررسی اوضاع فکری، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی سهروردی ضروری می‌نماید. بدون تردید نمی‌توان تأثیر شرایط و موقعیت‌های محیطی را در زندگی افراد نادیده گرفت از این رو برای دستیابی به این مهم آشنایی با احوال فیلسوفان و فلسفه در عصر قبل، معاصر و عصر بعد از شهابالدین امری ضروری است.

۱-۱- فلسفه قبل از شیخ اشراق

شکی نیست که پس از تسلط اعراب و خلفای اموی به دلیل عناد و لجاج خاصی که از سوی برخی از زمامداران و عمال حکومت اسلامی نسبت به فرهنگ و تمدن ایران ورزیده شد، مردم از ترس حاکمان آثار و کتبی که از ابا و اجدادشان به یادگار مانده بود مخفی یا معدوم کردند.

همراه شدن عامل ترس مردم از تعارض ظاهری تعالیم زرتشت و اسلام که در نهایت منجر به نسبت کفر و زندقه به آن‌ها گردید و قدرتمندی برخی از حاکمان اسلامی که تنها در پی کسب قدرت بودند علت را بر این‌که مردم آثار و کتب بیانگر مذهب زرتشت را از بین ببرند، دوچندان می‌کرد.

برای دستیابی به چرایی اخباری که از حرق و نهب کتابخانه‌ها و مدنیت ایران توسط اعراب مدعی اسلام به ثبت رسیده است، افزون بر جنبه مذهبی از جنبه سیاسی نیز نباید غفلت

نمود، زیرا ملت ایران قرن‌ها به عنوان ابرقدرت جهان در این سرزمین استعلا و حاکمیت بی- چون و چرا داشته اند.

پس از گسترش اسلام و به خصوص عملکرد برخی از حاکمان بنام اسلام شرایطی پدید آمد که جبهه‌گیری و پی‌جویی از آموزه‌های گذشته نیاکان دوباره جان تازه گرفت. در نتیجه هر چند آثار تمدن ایرانی دچار اضمحلال و شرایط دشواری گردید اما دانشمندان ایرانی با همان زمینه‌های فکری و تمدن ایرانی وارد تحقیقات و تتبعات اسلامی شدند.^۱

بنابراین مذهب غالب در ایران قبل از اسلام، زرتشت بوده است و ایرانیان دارای فرهنگ و تمدنی غنی بودند و آثار فرهنگی بسیاری از اجداد و نیاکانشان به ارث برده بودند. اما شمار زیادی از آن‌ها پس از تسلط اعراب توسط خود مردم منهدم و نابود گردید و مکتوبات بسیار دیگری در آتش‌سوزی و غارت برخی از اعراب مدعی اسلام از بین رفت.

از آن‌جا که در آیین زرتشت جان‌مایه‌های ذوقی و اشراقی وجود دارد، اندیشمندان ایرانی قدیم دارای روح حکمت ذوقی و اشراقی بوده اند.^۲

در خصوص فلسفه اسلامی، با آشنایی مسلمانان با آثار فلسفی یونانیان و ظهور بزرگانی چون فارابی بستر خردورزی و دانش فلسفه اسلامی تنها ترجمه و شرح بوده است.^۳ افرادی نظیر ابوبکر محمد بن زکریای رازی (۳۱۳ یا ۳۰۲ ه.ق) و ابوریحان محمد ابن احمد بیرونی (۴۴۰ ه.ق) نیز بوده‌اند که افکار جدیدی داشته‌اند و به دیگران هم حق افزودن مطلب با ابطال مطالب یونانیان را می‌دادند. لیکن به طور غالب فلسفه و احکام دینت را تأویل می‌کردند؛ یعنی به دنبال یک مکتب التقاطی شامل فلسفه یونانی و دین بودند. اما از آن‌جایی که فارابی و فلاسفه قرون

۱. حسین نصر، جشن‌نامه‌های هانری کربن (تهران: انتشارات انجمن فلسفه ایران، ۲۵۳۶)، ص ۷۷.

۲. جعفر سجادی، شهاب‌الدین سهروردی و سیری در فلسفه اشراق (تهران: انتشارات فلسفه، ۱۳۶۲).

صص ۴۴ و ۴۳

۳. رضا داوری اردکانی، مقام فلسفه در دوران تاریخ ایران اسلامی (تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی، ۱۳۷۹)، ص ۴۸.

وسطی به طور کلی به جلوه دیگری غیر از آنچه مکتشف یونانیان بود، دست یافته بودند در ارائه طرح جدیدی توفیق یافتند.

به نظر می رسد برخی از حاکمان عرب مسلط بر ایران پس از اسلام نه تنها زمینه رشد و بالندگی تفکر مردم با فرهنگ ایران را فراهم نمودند، بلکه اعتماد به نفس و روحیه خلاقیت و نوآوری را نیز از ایشان گرفتند، به طوری که اندیشمندان مسلمان نه تنها انگیزه‌ای برای تولید علم و پیشرفت فلسفی نداشتند، بلکه برخورد آنان با آثار یونان قدیم نیز کاملاً متعبدانه بوده و اجازه هیچ دخل و تصرفی را به خود نداده و به ترجمه این متون اکتفا می کردند. به نظر می رسد اعراب نیز از این سیاست خود اهدافی را در جهت ثبات حکومت خود دنبال می کردند که با حاکم کردن جمود فکری بر مردم امکان هر گونه نقد و انتقاد به سیاست‌های خود را از آن‌ها گرفته و بتوانند چند صباحی بیشتر حکمرانی کند.

۱-۱-۱- فارابی

اما با همه این تزییقات فارابی چون در خدمات دولتی و دیوانی نبوده و بیشتر مانند صوفیان زندگی می کرده و مانند آن‌ها لباس می پوشیده است^۱ توانست به چنان نبوغی برسد که ابن سینا او را استاد خود بداند و لقب معلم ثانی را از آن خود کند.^۲ وی با تقید شدیدی که به شریعت داشته است به گفته بیهقی تنها کسانی را شایسته آموختن فلسفه می دانست که متأدب به آداب خوبان بوده ، قرآن و لغت و علم شریعت را فرا گرفته و وظایف شرعی خود را درست ادا کنند و امری را مخالف آداب سنت انجام ندهند و برای چیزی جز علم و دانش قدر و منزلتی قائل نباشند به عبارت تاریخ حکمای اسلام دقت کنید :

۱. غلامحسین مصاحب، دایره المعارف فارسی (تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ سوم، ۱۳۸۱)، ص ۲۴.

۲. محمد فارابی، اندیشه‌های اهل مدینه فاضله، ترجمه جعفر سجادی (تهران: انتشارات چاپ دوم، ۱۳۶۱)، صص ۲۰۱.

«ببغی لمن اراد الشروع فی علم الحکمة ان یکون متادباً بآداب الاخيار قد تعلم القرآن و اللغة و علم الشریع او لا یکون متعبدا علی اداء الوظائف الشرعیة غیر مغلّ برکن من ارکان الشریعة بل غیر مغلّ بادب من آداب السنه و لم یکن عنده لشیء قدر الا للعلم و اهله....»^۱

خود او نیز به این خلیقات مزین بود و موفق به نوشتن کتاب‌های متعددی گردید که از آن جمله کتاب ارزشمند شرح بر ما بعد الطبیعة ارسطو است که در نوع خود بی‌نظیر است.

۱-۲-۱- ابن سینا

بعد از فارابی در میان فیلسوفان مسلمان می‌توان به ابن سینا اشاره نمود که در پرتو صلاحیت‌های ذاتی و تلاش‌های گسترده، نوآوری‌ها و جلوه‌های بیشتری به فلسفه اسلامی افزود؛ به طوری که ماجد فخری در این باره می‌گوید:

«وی در ۱۸ سالگی در منطق، علوم طبیعی و ریاضیات استاد بود و چیز دیگری نمانده بود که بیاموزد مگر ما بعد الطبیعة ارسطو که بعد از چهل بار خواندن باز هم از درک مقاصد مؤلف آن ناتوان بود؛ تا آن‌که تصادفاً به نسخه‌ای از کتاب فارابی برخورد که مقاصد ارسطو را به یک‌باره برای وی روشن ساخت.»^۲

وی مفردات فلسفه را استوار، تعابیر آن را پخته، اصطلاحات آن را هموار و پراکندگی آن را به نظامی واحد مبدل ساخت. بوعلی در حقیقت نه از شریعت زیاد انحراف یافت و نه کورکورانه راه ارسطو و افلوطین را پیمود.

از نظر نگارنده آثار ابن سینا را می‌توان به دو بخش تقسیم نمود: ۱- بخشی که آن را با توجه به فلسفه غالب زمان خود که مشرب مشاء بود، نگاشته است و شامل کتبی نظیر المباحثات، نجات، شفا و غیره می‌باشد؛ که در آن‌ها تنها سخن از حکمت بحثی و استدلال‌های منطقی است و به سبک کتب ارسطو می‌باشد و علت نوشتن این کتب رجحان این روش در نزد عموم بوده است به طوری که ماجد فخری می‌گوید:

۱. ظهیرالدین بیهقی، تاریخ حکمای اسلام، مقدمه ممدوح حسن محمد (قاهره: مکتبه الثقافه الدینیة، ۱۴۱۷)، ص ۴۴.

۲. ماجد فخری، سیر فلسفه در اسلام، ترجمه نصرالله پورجوادی (تهران: انتشارات مرکز دانشگاه تهران، ۱۳۷۳)، ص ۱۴۷.